



گفتگو با دکتر علی زعیتز

صدای مقاومت را به دنیا رساندیم

علی زعیتز

شبکه تلویزیونی المنار لبنان، مهم‌ترین ابزار رسانه‌ای حزب‌الله است که به‌نسبت صهیونیسم‌ستیزی و پخش برنامه‌های مختلف علیه سیاست‌های آمریکا و اسرائیل، بیش از همه شبکه‌های منتقد آمریکا و رژیم اشغال‌گر صهیونیستی، مورد انزجار رسانه‌های غربی است. این شبکه به‌صورت ۲۴ ساعته و به زبان‌های مختلف، اخبار و پیام‌های گوناگون حزب‌الله را در زمینه مسائل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی منطقه و جهان عرب، به‌خصوص در عراق و فلسطین، منتشر می‌کند و با وجود قطع مکرر برنامه‌های این شبکه در اروپا، المنار هم‌چنان به پخش برنامه‌هایش ادامه داده و مخاطبان بسیار خود را در سراسر جهان حفظ کرده است. یکی از مهم‌ترین دلایل قطع برنامه‌های شبکه المنار توسط کشور فرانسه، پخش برنامه‌ای به نام «الشتات» (پراکندگی یهود) بود که در آن صحنه‌هایی از قربانی کردن کودکی مسیحی را، بنا بر دستور خاخام‌های یهود و طبق سنت آنان، به‌نمایش گذاشت و از خون این کودک در طی مراسمی مذهبی در پخت نوعی نان استفاده می‌شد.

این مسأله از یک طرف نشان‌دهنده آن است که اروپاییان که خود را پرچم‌دار آزادی بیان می‌دانند و در رسانه‌های خود بیش‌ترین توهین را به دین مبین اسلام روا می‌دارند، چگونه بیان واقعیتی واضح و آشکار را تاب نمی‌آورند و از طرف دیگر بیان‌کننده یک جنگ عظیم و همه‌جانبه تبلیغاتی علیه مسلمانان است که بیش از جنگ‌های فیزیکی، جهان اسلام را تهدید می‌کند.

در این گفت‌وگو که با دکتر علی زعیتز (ابوحسن)، معاون فرهنگی-تبلیغاتی حزب‌الله در تهران و رئیس دفتر شبکه المنار در تهران، انجام داده‌ایم، به بررسی فعالیت‌های رسانه‌ای حزب‌الله و نقش این شبکه در پیروزی جنگ ۳۳ روزه پرداخته‌ایم.

با توجه به این که حزب الله لبنان یک سازمان نظامی-سیاسی است و می‌بایست چهره‌های سرشناس آن نامشخص باشند و هرگونه برملاشدن هویت آنان موجب بروز مخاطرات زیادی برای تشکیلات حزب الله می‌شود، چگونه سازمان تصمیم گرفت به عرصه رسانه‌های وارد شود؟

اول این که حزب الله کار پنهانی نمی‌کند. شاید در چندماه اولی که حزب الله به وجود آمد، شکل و نوع سازماندهی‌اش مشخص نبود، اما از همان روزی که این گروه تشکیل شد، خودش را معرفی کرد و در سال ۱۹۸۳ بیانیتهای با عنوان «الرساله المفتوحه» (نامه سرگشاده) صادر کرد که در آن نامه، اهداف، برنامه‌ها و کارهای حزب الله و ایده‌های حزب درباره نظام سیاسی جهان بیان شده بود. بنابراین، حزب الله کار پنهانی انجام نمی‌داد و خود را به عنوان طراح یک حرکت به سمت آرمان‌ها و آزادسازی کشور لبنان مطرح کرد. اما چیزی که پنهان است، مسائل نظامی و امنیتی است که در همه جا و حتی بزرگ‌ترین کشورهای دنیا، تمامی کارکردهای ارتش‌های شان پنهان و مخفی است و اعلام این مسائل کاری غیرعقلانی است. لذا حزب الله، از ابتدا خود را به عنوان یک حزب سیاسی، هدف‌دار و بر مبنای آرمان‌های اسلامی و شیعی معرفی کرد. اولین اقدامات حزب الله در ثبت و انتقال فعالیت‌های خود چگونه بود و اصولاً چگونه این فعالیت‌ها را به صورت رسانه‌ای و تصویری منعکس کرد؟

خب، طبیعی است که یک‌سری از کارهای حزب الله، عملیاتی و سری است، اما به هر حال دوستان ما توانستند برای رساندن صدای مقاومت به کل جهان و در مقابل، برای مرعوب کردن دشمن صهیونیستی و آشکار شدن دروغین بودن این رژیم، از تکنولوژی‌های جدید استفاده کنند. معمولاً در گذشته، حزب الله عملیات انجام می‌داد و اسرائیلی‌ها انکار می‌کردند و می‌گفتند این عملیات انجام نشده یا این که کشته می‌دادند و می‌گفتند هیچ کس کشته نشده است. بنابراین حزب الله برای اثبات خود، این‌ها را فیلم‌برداری کرد و موضوع فیلم‌برداری و ورود به عرصه تبلیغات، تبدیل به ابزاری برای مقابله با دشمن شد، لذا در سال‌های اخیر بیش‌تر جنگ‌های تبلیغاتی با دشمن صهیونیستی داشته‌ایم و از هر ابزار و وسیله‌ای هم که بتوانیم در این جنگ استفاده می‌کنیم.

از چه زمانی متوجه شدید که جنگ رسانه‌ای، نه تنها دست کسی از جنگ نظامی و فیزیکی ندارد، بلکه گاهی وقت‌ها مؤثرتر از آن است؟

یکی از ویژگی‌های حزب الله این است که از همان لحظه شکل‌گیری،

همواره با تبلیغات همراه بود، البته نوعش فرق می‌کرد، مثلاً ما قبلاً تلویزیون و رادیو نداشتیم و از روزنامه، بیانیه و عکس استفاده می‌کردیم، شعار روی دیوارها می‌نوشتیم و دوره‌های فرهنگی برگزار می‌کردیم و بالاخره هر کاری را که می‌توانست صدای ما را به دنیا و یا حداقل به داخل لبنان برساند، انجام می‌دادیم. طبعاً به‌مرور زمان و با پیشرفت تکنولوژی، ما هم به‌سراغ وسائل پیشرفته رفتیم.

ما در قرآن کریم، رعب‌افکنی در دل کفار را داریم. تأثیر رسانه‌های حزب الله در فرآیند ایجاد رعب و وحشت در میان رژیم صهیونیستی را چگونه می‌بینید؟

خیلی تأثیر مثبتی داشته و در سال‌های اخیر دیدیم که چون دشمن ما دشمن ضعیفی است و در جنگ نظامی آن‌ها را شکست دادیم به طرف جنگ تبلیغاتی رفتند و ما هم می‌دیدیم که از راه تبلیغات نیز می‌توانیم این دشمن را منهدم کنیم. واقعاً می‌توان گفت که تبلیغات، شصت درصد از کل جنگ را در برمی‌گیرد و ما می‌بینیم با همین امکانات اندکی که در اختیار داریم توانستیم کاری کنیم که خودباوری را در میان اسرائیلی‌ها از بین ببریم. جنگ رسانه‌ای این نیست که فقط یک فیلم پخش بکنید. یکی از جنگ‌های رسانه‌ای را خود آقای نصرالله انجام داد یعنی آمد و یک هدفی گذاشت و گفت من می‌توانم این هدف را دنبال کنم و دشمن نمی‌تواند و در آخر هم آن چیزی که سید می‌گفت، محقق شد. خود این جنگ رسانه‌ای است.

یعنی یک فشارتی بدهید، به وقوع بپیوندد و دشمن را به وحشت بیاورد...

بالاخره جنگ رسانه‌ای یک عنوانی دارد و لذا ما مؤکداً داریم که جنگ رسانه‌ای خیلی مهم است و سهم بزرگی در جنگ دارد. بنابراین ما هم این را در جنگ ۳۳ روزه لمس کردیم که شاید دومین هدف جنگ المنار و رسانه‌های حزب الله بود.

یعنی در جنگ ۳۳ روزه به المنار هم حمله کردند؟

بله، آن را منهدم کردند و ساختمان المنار با خاک یکسان شد.

پس چگونه برنامه‌های تان را ادامه دادید؟

قبل از جنگ، دوستان خودشان را آماده کرده بودند و چنین چیزی را پیش‌بینی می‌کردند و حتی یک لحظه هم برنامه‌های مان قطع نشد.

یعنی شما از قبل، از وقوع این جنگ آگاه بودید؟

بینید ما با این دشمن در حال جنگیم. مثل این است که شما بگویید: آیا خبر داشتید که دشمن از فلان طرف حمله می‌کند؟

تبلیغات، شصت درصد از کل جنگ را در برمی‌گیرد و ما می‌بینیم با همین امکانات اندکی که در اختیار داریم توانستیم کاری کنیم که خودباوری را در میان اسرائیلی‌ها از بین ببریم

و من بگویم نه، نداشتیم. اما آمادگی‌اش را داشتیم. این نیست که ما با خیال راحت بنشینیم و فکر کنیم دشمن رفته است و کاری به کارمان ندارد. ما در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ یک سیر صعودی بسیار خوبی داشتیم لذا آمادگی و انتظار این حمله را داشتیم.

حالا که به جنگ ۳۳ روزه رسیدیم از خاطرات آن روزها و نقش المنار در پیروزی این جنگ هم بگویید؟

نقش المنار و جبهه دوم مقاومت بود مانند سکه‌ای که دورو دارد، یک روی سکه جنگ، مقاومت بود و روی دیگر المنار. اگر المنار نبود لطمه بزرگی به روحیه بچه‌ها وارد می‌شد. اما خدا را شکر می‌گویم که این پیش‌بینی‌ها انجام شد و باعث شد که المنار متوقف نشود و بعد هم فعالیتش را با همان حرارت و حوصله ادامه دهیم.

در راه‌اندازی شبکه المنار از چه جاهایی حمایت شدید و چند درصد نیروهای تان خارجی بودند؟

اصلاً خارجی نبودند و همه لبنانی بودند. خب! بعضی سرمایه‌داران شیعه کمک‌هایی کردند و عده‌ای از مردم هم خمس و زکات خود را به حزب‌الله دادند که این‌ها سرمایه‌ای شد برای راه‌اندازی شبکه المنار. البته خود ایرانی‌ها هم که دوستان حزب‌الله هستند خیلی کمک کردند.

بچه‌های صداوسیما جمهوری اسلامی هم کمک تان کردند؟

به‌طور مستقیم وارد عمل نشدند ولی همواره از تجربیات‌شان استفاده کرده و می‌کنیم. یعنی شما یک اکیب کامل و باتجربه داشتید...

نه این‌که باتجربه بودند، ما یک تشکیلات محلی داشتیم که از این طرف و آن طرف جمع کردیم. بعد آمدیم ایران و دیدیم که امکان آموزش دیدن هست و شروع به همکاری با صداوسیما کردیم. خدا را شکر می‌کنیم که دوستان‌مان در ایران، دل‌سوزانه کار می‌کنند و بدون هیچ منت و مصلحت، ما را راهنمایی کردند و ما هم از تجربیات‌شان استفاده کردیم.

در زمان جنگ چگونه با حزب‌الله در تماس بودید و از آن‌ها خبر می‌گرفتید؟

بالاخره جنگ است و خطرات خود را دارد. اگر کسی از ایران با آن‌ها تماس می‌گرفت احتمال نود درصد داشت که آن طرف را بکشند چون اسرائیلی‌ها کل نقاط لبنان را کنترل می‌کردند و از هر کجا که تماس گرفته می‌شد آن‌ها را کنترل می‌کردند.

شما برای مقابله چه می‌کردید؟

به هر حال دوستان راه‌کارهای خاص خود را داشتند. شما در تهران مستقر هستید. نقش اصلی دفتر المنار در تهران چیست؟

بیش‌تر، ما پشتیبانی خبری داریم. صهیونیست‌ها که تمام امکانات شما را کنترل می‌کنند، حتماً خیلی تلاش کردند که ارتباط شما را مخدوش کنند و پارازیت بیندازند.

عرض کردم که دوستان این مسأله را پیش‌بینی کرده بودند و ما خیلی خوب اسرائیلی‌ها را می‌شناسیم. می‌دانستیم که اسرائیل به جز توپ و تانک چیز دیگری ندارد و در زمینه ارتباطات کار زیادی

توانستند انجام بدهند.

بر همان اساسی که شما رعب‌آفرینی می‌کردید، دشمن هم سعی بر این کار داشت. شما برای خنثی کردن این حربه دشمن چه می‌کردید؟

نه! آن‌ها نتوانستند. خیلی سعی می‌کردند یک‌سری بیانیه بین مردم بیاندازند، ولی مردم به آن‌ها می‌خندیدند. مثلاً پیامک‌هایی به موبایل مردم می‌فرستادند، مردم به آن‌ها می‌خندیدند. این را از من قبول کنید که دیگر اسرائیل تمام شده است. البته چون ما قبلاً از آن‌ها شکست بلکه آمریکا هم تمام شده است. البته چون ما قبلاً از آن‌ها شکست خورده بودیم و کشورهای ماقب مانده‌اند، به همین خاطر آن‌ها را به‌عنوان یک ابرقدرت قبول کرده‌ایم. اما از بعد از جنگ ۳۳ روزه اسرائیل دیگر تمام شد. این هیاهوی بزرگ و این اسطوره شکست، همان‌طور که امام(ره) گفتند که کمونیسم به موزه تاریخ پیوست، اسرائیل هم به تدریج به‌طرف زباله‌دان تاریخ می‌رود.

تأثیرگذاری رسانه‌ای حزب‌الله و مهم‌ترین رسانه‌اش المنار، بر منابع خبری خبرگزاری‌ها در خاورمیانه و جهان چگونه بوده است؟

البته مهم‌ترین شبکه ما المنار است، اما شبکه رادیویی «التور» هم در کنار آن به فعالیت مشغول است. شبکه المنار یک شبکه معمولی نیست که آن را با شبکه‌هایی مثل الجزیره، بی‌بی‌سی، ام‌بی‌سی یا هر شبکه دیگری مقایسه کنیم. المنار در اصل یک هدفی دارد و آن هم این است که موضوع مقاومت را به کل دنیا برساند. هر چیزی که ما را به این هدف برساند، بی‌گیری می‌کنیم و هر چیزی که ما را از این هدف دور کند، از آن دوری می‌کنیم. شما المنار را که مشاهده می‌کنید، احساس نمی‌کنید که مثل الجزیره دارد اخبار می‌گوید. البته این معنی‌اش این نیست که اخبار نمی‌گوییم، هدف یک چیز است و راه‌برد مسائل به‌سوی هدف چیزی دیگر.

ما هم اخبار می‌گوییم، اما محور کارمان حزب‌الله است، پس اگر بگویید آیا المنار توانسته است صدای مقاومت را به دنیا برساند؟ من می‌گویم بله، توانسته است.

البته منظور من این بود که باز تاب رساندن صدای حزب‌الله به دنیا چه بود؟

شما نگاه کنید، الآن در اروپا چون یهودی‌ها دیده‌اند که چقدر این شبکه بازی‌های آن‌ها را خنثی می‌کند، رفته‌اند و حمله کرده‌اند و المنار را در اروپا بسته‌اند. یعنی یک لابی تشکیل داده‌اند و در فرانسه به دادگاه‌شان فشار آورده‌اند و المنار را در آن‌جا بسته‌اند. حالا چرا این کار را کرده‌اند؟ چون المنار در اروپا اثر دارد و فکر اروپایی‌ها را عوض می‌کند.

مگر الآن برنامه‌های المنار از ماهواره پخش نمی‌شود؟

چرا، الآن هست. بالاخره جنگ است دیگر، از یک طرف به شما ضربه بزنند و شما از جای دیگری وارد می‌شوید.

تأثیر المنار بر کشورهای منطقه و به‌خصوص جهان عرب چقدر بوده است؟

همان‌طور که گفتم، هدف المنار این است که صدای مقاومت را به جهانیان برساند. الآن در کشورهای عربی، بعد از الجزیره و العربیه، المنار سومین تلویزیون عربی است. این توفیق به خاطر فیلم‌ها و برنامه‌های جذاب المنار نیست، بلکه به‌خاطر بحث مقاومت است،

یعنی عرب‌ها وقتی می‌خواهند از مقاومت چیزی بدانند، می‌آیند المنار را نگاه می‌کنند. هدف ما این نیست که فیلم بسازیم و بیننده جذب کنیم.

به هر حال باید به جذابیت‌های رسانه‌ای هم بپردازید...

شما می‌توانید یک برنامه پخش کنید و زیر آن یک تیتراژ بنویسید به عنوان اخبار مقاومت. این هم یک رسانه است دیگر، اما یک بار می‌آید یک سرود یا یک فیلم درباره مقاومت می‌سازید و آن را پخش می‌کنید.

بیش‌تر، قالب برنامه‌های شما چه بوده؟ آیا خبر است یا فیلم و سریال هم هست؟

همه هست. فیلم، سریال، موسیقی، ویدئو کلیپ و همه چیز در المنار هست. البته بیش‌تر فیلم‌های ما مستند است، اما دوستانی هم وارد حوزه فیلم‌های سینمایی شده‌اند.

از فیلم‌سازهای ایرانی مانند آقای «حسن کاربخش» هم فیلم‌های داستانی و سینمایی در لبنان تولید شده است.

البته ما با صداوسیما در این زمینه خیلی ارتباط داریم، مخصوصاً جدیداً. چون الان مردم چنین چیزهایی را می‌خواهند. قبلاً خیلی به فیلم و چیزهای دیگر اهمیت نمی‌دادیم، ولی الان داریم امکانات می‌دهیم، اما ببینید من خیلی تأکید می‌کنم که هدف المنار، رساندن صدای مقاومت است؛ به هر قیمتی. فرض کنید الان می‌خواهیم یک فیلمی بسازیم. اول نگاه می‌کنیم ببینیم آیا این فیلم صدای مقاومت را می‌رساند؟ بعد می‌رویم دنبالش. سرود، آرکستر، ویدئو کلیپ، نمایشگاه و تمام چیزهای متنوعی که وجود دارد، اگر صدای مقاومت را برساند، ساخت، تهیه و پخش آن را در دستور کارمان قرار می‌دهیم.

به هر حال بیننده قرن بیست و یکمی، جذابیت‌های تصویری و رسانه‌ای را هم طلب می‌کند. یعنی ممکن است که شما یک فوتبال یا یک فیلم سینمایی هم پخش کنید و لابه‌لای آن صدای مقاومت را هم برسانید.

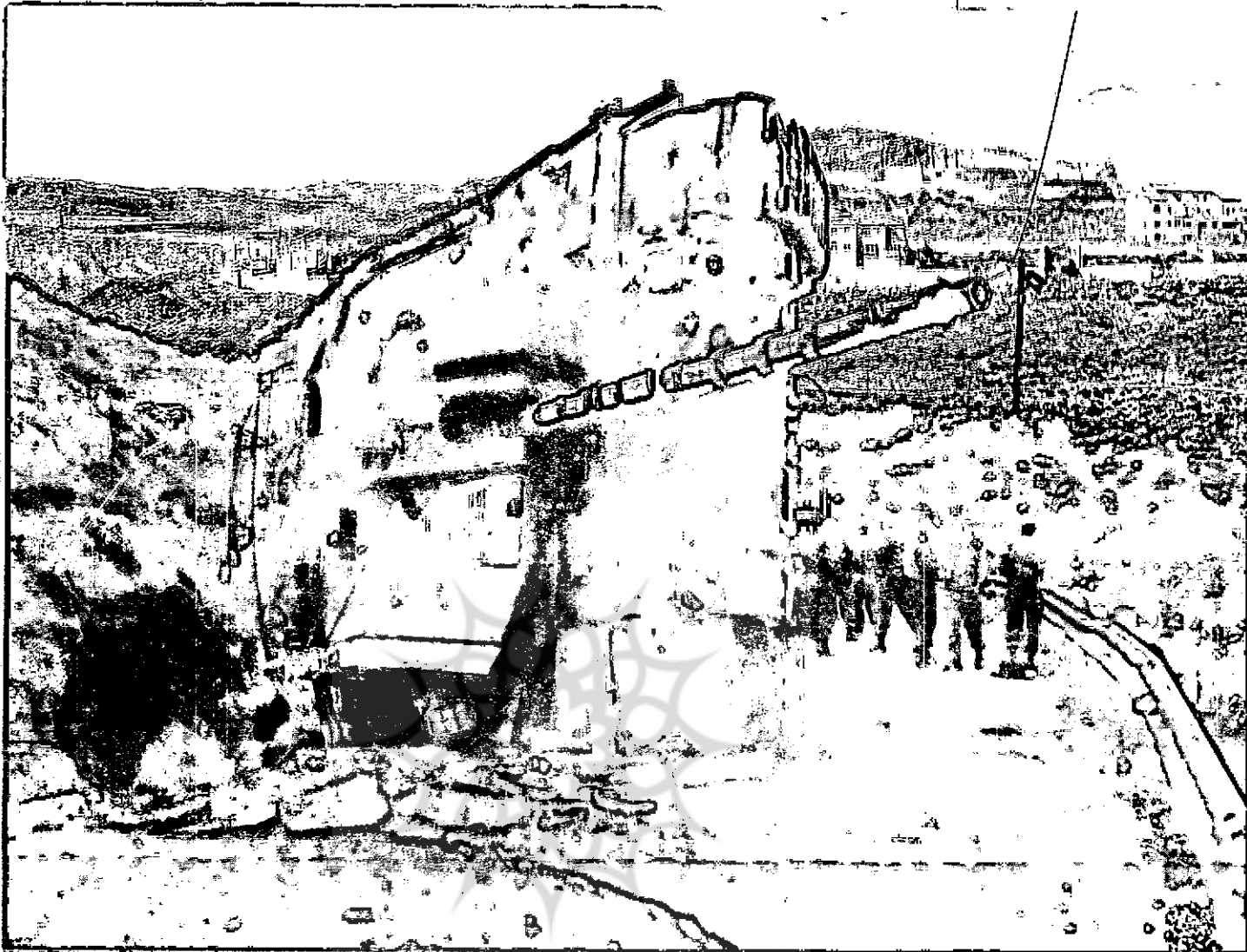
نه، این یک تفکر است. شما می‌خواهید مبنای یک تفکر را بگذارید که ما حالا یک فیلمی بگذاریم، یک سریالی پخش کنیم، بعد یک چیزی هم راجع به مقاومت بگوییم تا مشاهده [بیننده] آن‌ها را نگاه کند و از مقاومت هم چیزی ببیند و اسمی بشنود؛ این یک نوع تفکر است و به نظر ما اشتباه است. شما باید اصل تفکرشان مقاومت باشد. وقتی تلفیزویون [تلویزیون] درست می‌کنید باید کار آن بر مبنای مقاومت باشد. مثلاً ما در ماه رمضان چیزی به نام

«اهلاً بالضيف الكريم» (میهمانان عزیز خوش آمدید) درست کردیم. این برنامه به نظر شما باید یک برنامه تفریحی با مضامین شعر و ادب و فلان و بهمان باشد و حالا اگر در جنوب اتفاقی افتاد، این را قطع می‌کنیم و آن را پخش می‌کنیم، ولی ما بدین شکل عمل نکردیم. آمدیم در همین برنامه خیلی از شعرا و نویسندگان را، با همان جذابیت رسانه‌ای که شما می‌گویید، آوردیم و خودبه‌خود موضوع مقاومت، سیدحسین و اسلام را مطرح کردیم. مردم هم بعد از افطار می‌نشستند و آن برنامه را نگاه می‌کردند. منظور من این است که وقتی شما فکرتان به دنبال یک هدف است، هر کاری هم که انجام می‌دهید، خودبه‌خود، همان شکلی می‌شود. حالا در مورد فوتبال که شما گفتید، ما هم فوتبال و جام جهانی و این‌ها را پخش می‌کنیم، نه این که پخش نمی‌کنیم اما قسمت فوتبال المنار را طوری درست کرده‌ایم که در هر لحظه‌اش شما مقاومت را لمس کنید.

چطور این کار را می‌کنید؟

مثلاً آمده ایم مجزی این برنامه‌ها را از میان بچه‌هایی که با مقاومت کار کرده‌اند برگزیده‌ایم. یا این که مقاومت یک کلاب [کلوپ] ورزشی در المنار درست کرده است و هر سال یک جشنواره برای انتخاب بهترین‌ها در فوتبال برگزار می‌کند.





موسسه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

یا همسرشان مصاحبه می‌کنیم. به خانه‌شان و محل شهادت‌شان می‌رویم. اثر تربیتی بسیار مثبتی دارد.

رواج فرهنگ شهادت و مبارزه و این‌گونه مسائل...

نه فقط این مسائل، حتی مطالب مربوط به دین و اسلام و غیره. شما وقتی می‌بینید که یک شهید چطور نماز می‌خواند، سعی می‌کنید بهتر نماز بخوانید یا اگر نماز نمی‌خوانید، نماز خوان می‌شوید.

تا چه حد در بحث تبلیغ مسائلی دین هم فعالیت می‌کنید؟

من وقتی می‌گویم که محور کار ما مقاومت است، این‌گونه نیست که بیست و چهار ساعته فقط جبهه را نشان بدهیم. منظوری این است که وقتی بر یک هدف متمرکز می‌شویم، همه چیز را باید بر مبنای این هدف بسنجیم. مثلاً شما در صداوسیما برنامه عاشورا درست می‌کنید، اگر با این برنامه عاشورا، فتنه‌ای بین شیعه و سنی ایجاد شود، چون عامل این فتنه اثر منفی بر مقاومت و اهدافش دارد، آن را حذف می‌کنیم. یا مثلاً اگر اذان شیعی در تلویزیون بگذاریم و تأثیر بد و منفی روی سنی‌ها بگذارد، آن را پخش نمی‌کنیم.

یعنی اذان سنی‌ها را پخش می‌کنید؟

نه، اصلاً اذان نمی‌گذاریم، نه سنی و نه شیعه. اصلاً نیاز نداریم. مگر المنار مسجد است؟ الان تلویزیون شما حسینیه شده است یا مثلاً یکی می‌آید و در آن درس می‌دهد، مگر تلویزیون جای درس دادن

در سطح لبنان یا تمام جهان؟

الآن فقط در لبنان است، ولی می‌خواهیم آن را به سطح کشورهای اسلامی گسترش بدهیم. بعد هم به جهان که الان صدایش در تمام کشورهای عربی شنیده می‌شود، حالا در آنجا، حتی آرمی که می‌خواهیم بنویسیم، روح مقاومت در آن موجود است.

سیدحسن نصرالله، نماد و رهبر حزب‌الله و به عبارتی، صدای مقاومت لبنان است و پخش زنده سخن‌رانی‌های او، مثل نطق پیروزی جنگ ۳۳ روزه، از اهمیت رساله‌ای و حتی نظامی ویژه‌ای برخوردار است و فکر می‌کنم جزو مهم‌ترین کارهای شما باشد. راجع به سیستم ویدئوکنفرانس‌تان که بسیار به این کار می‌آید هم توضیح بدهید.

من واقعاً این موضوع را نمی‌دانم. حالا فرض کنید که می‌دانم، ولی نمی‌توانم این مسأله را بگویم چون امنیتی است و مرتبط با امنیت و حتی جان سیدحسن است. اگر من این‌ها را افشا کنم، پس اسرائیلی‌ها هم می‌دانند.

یکی دیگر از وظایف شما، معرفی چهره‌های فداکار و خانواده شهیدا است. برای معرفی این عزیزان چه برنامه‌هایی داشته‌اید؟

یکی از برنامه‌های جالب المنار، پخش سیره و زندگی‌نامه شهیدا است. به همان شکل ساده‌ای که زندگی می‌کردند، ما با مادر

است؟ یک نفر که از سر کلاس درس می آید تا تلویزیون نگاه کند، در آن جا که نباید درس نشان بدهند، خدای نگرده فکر نکنید که می خواهیم توهین کنیم؛ بلکه من دست تمام مراجع و روحانیان را هم می بوسم؛ اما منظورم این است که این یک وسیله است. تلویزیون یک هدف دارد و مسجد هم هدفی دیگر. مثل این که من بیایم روی این میز [آداری] ناهار بخورم. ما باید وظیفه هر وسیله و رسانه ای را مشخص کنیم.

به بحث شیعه و سنی اشاره کرده ایم. همان طور که می دانیم در لبنان اقوام، مذاهب و فرقه های مختلفی حضور دارند که بزرگ ترین هدف اسرائیل هم ایجاد اختلاف بین آن هاست. شما چگونه بین همه این اقوام و مذاهب، ایجاد تعامل و اتحاد می کنید؟ خود المنار یکی از ابزارهایی است که می تواند این وحدت را ایجاد کند. وظیفه المنار، به عنوان صدای مقاومت، این است که بگوید مقاومت متعلق به همه است. بگوید: شما که مثلاً مارونی هستید، بیایید نقش تان را در المنار ایفا کنید؛ حتی کسانی که دشمن المنار و حزب الله هستند بیایند صحبت کنند؛ مشکلی ندارد. این گونه است که یک رسانه، عامل وحدت می شود. باید اختلاف ها را کنار بگذاریم و بر مشترکات تکیه کنیم؛ حتی در مسائل خبری، راجع به چیزی که باعث شود فضای کشور ملتهب شود صحبتی نمی کنیم. بر حرف های خوبی که باعث وحدت می شود تمرکز می کنیم. حالا درست است که ما داریم کار خبری می کنیم، اما چون هدفمان وحدت ملت است و این وحدت به نفع مقاومت است، پس به همین شکل جلو می رویم.

و شما برای رسیدن به این هدف اذان راهم پخش نمی کنید. بالاخره ما داریم دیگران را [جمع] می کنیم؛ نصف ایمان مبارزه الفاس؛ نصف ایمان شهادت مدارا کردن با مردم است. باید ببینید چه چیزی مردم را اذیت می کند، از چیزی که اذیت شان می کند دور شوید و چیزی را که برای شان محبوب است دهید. یکی از ابزارهای جنگ و ضربه زدن به دشمن، جنگ روانی است. حزب الله در این زمینه چقدر موفق عمل کرده است؟

این مسأله دو وجه دارد؛ یکی در جبهه داخلی که باید این جبهه را محکم کنیم. ایمان به خدا و خودباوری را تقویت کنیم و دیگری جبهه خارجی که باید بدانیم دشمن چگونه فکر می کند و روی این مسأله مانور کنید. باید برای سلب روحیه مثبت دشمن تلاش کنید و نقاط ضعف شان را روشن کنید، خلاهایی را که در داخل شان وجود دارد نشان بدهید. وظیفه رسانه در جنگ روانی همین است.

چه کارهایی در این زمینه انجام داده اید؟

ما برنامه های مختلفی را از اختلافات داخلی اسرائیلی ها پخش کرده ایم. نشان داده ایم که اسرائیلی ها چگونه فکر می کنند، در مدارس شان چه چیزهایی به دانش آموزان شان یاد می دهند، مثلاً یاد می دهند که چطور فلسطینی ها را بکشند و خون شان را بخورند...

خون شان را بخورند؟!

بله، دانش آموزان اسرائیلی این ها را می گفتند. دوستان ما توانستند بروند از این ها فیلم برداری کنند و در این خصوص برنامه های جالبی تهیه کنند، مثلاً با افسران اسرائیلی مصاحبه کرده بودند و این مصاحبه ها نشان می داد که چقدر آن ها ضعیف و نامنظمند. حتی بعضی رهبران شان، آن ها را رها کرده و فرار کرده بودند. از این مسائل خیلی بود و دشمن از همین مسائل به شدت به وحشت



می افتند. وقتی یک سرباز این فیلم را می بیند مرعوب می شود و می گوید روسای مان، ما را وسط جنگ زها می کنند و می روند.

شما چطور بازتاب کارهای تان را دریافت می کنید؟ یعنی چگونه نظرها، انتقادات و پیشنهادهای را دریافت می کنید و تا چه حد آن ها را در برنامه های بعدی تان منظور می کنید؟

ما یک سری فرم هایی را به مردم می دهیم و آن ها پر می کنند، برخی از مردم به بعضی مؤسسات می روند و عده ای از مردم هم به خود المنار می روند تا نظرات شان را به ما برسانند. روش های متنوعی هست، اما بیش ترینش، همان توزیع فرم نظرسنجی است.

در حال حاضر، خیلی ها سعی می کنند حزب الله را بیش از یک حزب سیاسی، به عنوان یک ارگان نظامی، نشان بدهند، همان طور که پس از آتش بس جنگ ۳۳ روزه صحبت های زیادی راجع به خلع سلاح حزب الله مطرح شد. آیا شما روزی را متصور هستید که حزب الله سلاح خود را بر زمین بگذارد و فقط به عنوان یک حزب سیاسی فعالیت کند؟

بعد از جنگ ۳۳ روزه، چیزی که اتفاق افتاد آتش بس نبود، بلکه حربه بود، یعنی الان هر لحظه امکانش هست که جنگ شروع شود. پس هنوز هم جنگ هست و آتش بس وجود ندارد. چیزی هم که در قطعنامه ۱۷۰۱ سازمان ملل قید شد این بود که اول، این عملیات حربه متوقف شود؛ دوم، نیروهای بین الملل مستقر شوند؛ سوم؛ مسأله سلاح حزب الله یک چیز داخلی است و خود لبنانی ها باید آن را حل کنند و این مسأله به هیچ یک از نیروهای خارجی مربوط نمی شود. نکته بعد این که ما سلاح حزب الله را یک سلاح مقدس می دانیم و به این سادگی ها نیست که ما آن را زمین بیاوریم و البته دست ما هم نیست. این مربوط به خود ملت لبنان است. مگر ما جرأت می کنیم این سلاحی را که عزت مردم لبنان را حفظ کرده بر زمین بگذاریم؟ این سلاح، کرامت و عظمت لبنان است و تا روزی که این کرامت و عظمت وجود دارد این سلاح هم در دست ماست. ■

وظیفه المنار، به عنوان صدای مقاومت، این است که بگوید مقاومت متعلق به همه است. بگوید: شما که مثلاً مارونی هستید، بیایید نقش تان را در المنار ایفا کنید، حتی کسانی که دشمن المنار و حزب الله هستند بیایند صحبت کنند، مشکلی ندارد